



Inquiry of Ambiguities Regarding the Attribution of *Kāmil al-Ziyārāt* to Ibn Qūliwayh

Mojtaba Pourmousa¹

DOI: 10.22051/TQH.2021.35442.3151

Received: 12/03/2021

Accepted: 30/10/2021

Abstract

In order to use religious sources, their validation is necessary, which must be achieved through authentic ways. One of the effective components in the validity of a scientific work is the personality and authenticity of its author. The book of *Kāmil al-Ziyārāt* has been attributed to Ja'far bin Qūliwayh Qumī (d. 368 AH). The attribution of this work to him has been recently questioned by one of the contemporary scholars, that this doubt is due to the existing ambiguities in this field. The present article examines the ambiguities on the attribution of the complete book of *Kāmil al-Ziyārāt* to its famous author Ja'far bin Qūliwayh Qumī. Thus, using various evidences through the analytical-library method, the problems and ambiguities are criticized to pave the way for readers to have a fair judgment. The result of reviewing written and complete manuscripts of the book is as follows: 1. It is the work of Ja'far bin Qūliwayh Qumī and its narrator is Hussein bin Ahmad bin Mughairah Būshnajī. 2. The narrator had a few additions - with appropriate markings - to the book. 3. The correct and complete name of the book is *Kāmil al-Ziyārāt*. 4. The quotation of unknown people in this work and other early hadith works is because of their principles for accepting hadiths. So it cannot be recognized as the weakness of the Shiite narrative heritage, nor a sign that these books were written by unreliable and unknown people.

Keywords: *Kamil al-Ziyarat* ' Validation ' Ibn Qalwiya ' boshnji

¹. Lecturer and Researcher in Qom Seminary.

mojtabapormusa313@gmail.com



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱-۳۵

واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابن قولویه

مجتبی پورموسی^۱

DOI:10.22051/TQH.2021.35442.3151

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

برای بهره‌گیری از منابع دینی احراز اعتبار آنها ضروری است. یکی از مؤلفه‌های مؤثر در اعتبار یک اثر علمی، بررسی شخصیت و منزلت مؤلف آن است. از آنجا که در سال‌های اخیر انتساب کتاب کامل الزیارات اثر جعفر ابن قولویه قمی (م ۳۶۸ق) به روایت یکی از شاگردان مؤلف یعنی بوشنجی مورد تردید قرار گرفته است، لذا در این نوشتار به بررسی ابهامات مطرح در رابطه با انتساب این کتاب پرداخته و با استفاده از روش تحلیلی- کتابخانه‌ای، به اشکالات و ابهامات پاسخ داده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد این کتاب اثر جعفر بن محمد ابن قولویه بوده و راوی آن حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی است که افزوده‌هایی اندک با نشانه‌گذاری مناسب بر کتاب داشته است. همچنین روایت از مجهولان یا ناشناسان در این اثر و دیگر کتب قدما به دلیل مبنای متفاوت ایشان در اعتبارسنجی بوده و نمی‌توان آن را نشانه‌ای بر ضعف میراث روایی شیعه و یا نشانه‌ای از نگارش این کتب به دست افراد ضعیف و ناشناس و نفی آنان از مؤلفان اصلی‌شان دانست.

واژه‌های کلیدی: کامل الزیارات، اعتبارسنجی، جعفر بن محمد ابن قولویه، حسین بن

احمد بوشنجی، ادراج، نقد حدیث.

مقدمه و طرح مسئله

از ابتدای تاریخ اسلام توصیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) بر کتابت احادیث ایشان و تلاش برای پایش و حفظ این میراث مکتوب از هرگونه دسّ و نابودی بوده است. شیعه با سرلوحه قرار دادن این توصیه‌ها همواره سعی در کتابت احادیث داشته تا بدانجا که فرهنگ نقل و انتقالات حدیثی شیعه، فرهنگی مکتوب محور بوده است. با شروع عصر امامان باقر و صادق (ع) نهضت کتابت اوج گرفته و پس از ایشان و در زمان ائمه متأخر (ع) تا حدود انتهای قرن چهارم هجری نهضت پردازش و فراوری این مکتوبات نیز پا گرفته و به قوت پیش رفت. مکتوبات به یادگار مانده از زمان‌های گذشته که مراحل تنقیح و تنسیق را گذرانده و دارای ملاک‌های اعتباری بودند؛ همواره در پرتو پاسداشت دانشمندان اعصار بعد قرار داشته و مکتوباتی که این مراحل را طی نکرده بودند؛ با استفاده از ملاک‌ها و شواهد موجود، نقد شده و به حاشیه تردید و احتیاط رانده شدند. برای نقد یک اثر علمی باید از شواهد متقن علمی بهره جست و بنا به تصریح قرآن کریم که فرمود: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» (یونس: ۳۶) از صرف گمانه‌زنی احتراز کرد.

از جمله کتاب‌هایی که نقدهایی در رابطه با آن وجود دارد، کتاب *کامل الزیارات* است. به طور کلی ابهامات مربوط به *کامل الزیارات* را می‌توان در چند دسته جای داد:

۱- ابهامات پیرامون نقل برخی روایات و اعتبار آنها مانند روایات عاشورایی یا روایات بیانگر ثواب‌های کثیر برای اعمال کم مقدار، که در پی آن اعتبار و جایگاه کتاب نیز تحت الشعاع قرار گرفته و نیازمند بررسی جداگانه‌ای است (برای نمونه بنگرید به: رفعت، ۱۳۹۴، ص ۴۱۰-۴۳۱).

۲- ابهامات پیرامون اسناد برخی از روایات کتاب، که به واسطه مجهول یا مهمل بودن و یا ضعیف شمردن راویان آنها این اسناد نیز ضعیف تلقی شده‌اند (برای نمونه بنگرید به: رفعت، رحمان ستایش و حجازی، ۱۳۹۶)؛

۳- ابهامات و شبهات که در قرن معاصر در زمینه انتساب کتاب به نگارنده مشهور آن یعنی جعفر ابن قولویه قمی مطرح شده؛ و این نوشتار، ناظر به آن سامان یافته است. گفتنی است اولین بار این ابهام توسط مرحوم آقای محمدباقر بهبودی در ضمن پانوشت بر یکی از روایات بحارالانوار (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۵۵، پانویس ۲) مطرح شده است. خلاصه نظریه بهبودی این است که کامل الزیارات اثر شخصی به نام ابو عبدالله بوشنجی بوده و او با اصل قرار دادن اثر استاد خود یعنی ابن قولویه، این کتاب را تدوین کرده است. این پانوشت دستمایه‌ی نگارش مقاله‌ای با عنوان «زیادات کامل الزیارات و مساله انتساب اثر به ابن قولویه» از خانم سرشار شده است (۱۳۹۵ش). سرشار در مقاله خود، شواهد بهبودی را در این زمینه دسته‌بندی کرده و با ذکر شواهد و تحلیل‌هایی در این زمینه؛ به تقویت نظریه بهبودی پرداخته است.

گفتنی است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در اعتبارسنجی و نقد یک اثر، مؤلف آن است. هرگاه که مؤلف شخصی شناخته شده و مورد توجه باشد، و از جایگاه متقن علمی برخوردار باشد، این اعتبار در جایگاه آثار او نیز تأثیر خواهد داشت. این مساله در رابطه با کامل الزیارات نیز مطرح بوده و بحث از مؤلف آن ضروری است. قلمی حاضر با توجه به ابهامات مطرح شده از سوی این افراد و ابهامات احتمالی در رابطه با کتاب کامل الزیارات سامان یافته و با دست‌یازیدن به ملاک‌ها و قرائن موجود در کتب، پس از بررسی جوانب به روش تحلیلی-کتابخانه‌ای، به ارائه تحلیل و داوری نقدهای مطرح شده نشسته است.

لازم به ذکر است که ابهامات مطرح شده از سوی منتقدان کتاب و نیز دیگر ابهامات شناسایی شده ذیل شش مورد دسته‌بندی شده و در این قلمی مورد بررسی قرار گرفته است. این شش دسته ابهام عبارتند از: ابهامات مربوط به اعتبار و اصالت نسخه موجود، یادکرد غریب ابن قولویه در اثر، تقدیم خطبه کتاب بر طریق آن، گزارشات متفاوت برخی فهرست‌نگاران متقدم از عنوان کتاب با آنچه امروزه به آن شهرت داد، عبارات حاکی از افزوده بر کتاب و بالاخره روایت از مهملان و مجهولان توسط مؤلف. نگارنده تلاش کرده تا با

بهره‌جویی از شواهد تاریخی، منابع رجالی و فهرستی و نیز نسخه‌های خطی کامل‌الزیارات به داوری صحیح در رابطه با این اثر پردازد.

در رابطه با کامل‌الزیارات مقالات متعددی نگارش یافته که برخی از آنها صرفاً جنبه توصیفی و کتابشناسی داشته و برخی دیگر به مباحثی مانند بررسی محتوایی برخی روایات این کتاب یا بررسی نسخ خطی کتاب پرداخته و از بحث این نوشتار-یعنی بازکاوی ابهامات پیرامون انتساب اثر به ابن قولویه-بیرون هستند.

۱. معرفی مؤلف و اثر

کتاب کامل‌الزیارات اثر ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی است. او از خاندانی اهل علم بوده و پدرش محمد و برادرش علی از محدثان شیعه هستند. سال تولد وی برای ما مشخص نیست. البته با توجه به قرائنی مانند سال وفات اساتید و شاگردان او و نیز از آنجا که ابن قولویه از مُعَمَّرین^۱ شمرده نشده است، می‌توان سال تولد وی را حدود دهه آخر قرن سوم هجری در نظر گرفت.

شیخ طوسی سال وفات وی را ۳۶۸ق برشمرده است. (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۴۱۸) حدود بیست و پنج اثر مکتوب برای جعفر ابن قولویه ذکر شده (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۳۱، ص ۳۰؛ طوسی، ۱۴۲۷، ص ۱۰۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵الف، ص ۱۲۳-۱۲۴) که شوربختانه فقط کتاب کامل‌الزیارات وی به دست ما رسیده است. نجاشی (م: ۴۵۰ق) و شیخ طوسی (م: ۴۶۰ق) ابن قولویه را به شخصیتی گرانقدر و دارای صفات ممدوحه فراوان (طوسی، بی‌تا، ص ۱۰۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵ب، ص ۱۲۳)؛ و نیز شخصیتی مورد اطمینان توصیف کرده‌اند. نام کامل این کتاب به تصریح مؤلف آن، کامل‌الزیارات است:

^۱. به کسانی که عمر نسبتاً طولانی (حدود ۹۰ سال به بالا) در مقایسه با دیگران داشته‌اند، اصطلاحاً «مُعَمَّر» گفته می‌شود.

«... و سمیته کتاب کامل الزیارات و فضلها و ثواب ذلك و فصلته أبوابا...».

(ابن قولویه، ۱۳۵۶، بخش دیباچه، ص ۴)

موضوع و محتوای این کتاب شامل فضیلت، ثواب و آداب زیارت ائمه معصومین (ع) و محبت و فضائل برخی از آن حضرات، و نیز متن زیارت نامه‌های مشترک بین آن ذوات مقدسه و برخی زیارت نامه‌های خاصه است. کتاب کامل الزیارات شامل حدود ۷۵۵ روایت است که در ضمن ۱۰۸ باب چینش و پردازش شده که حدود ۸۲ باب آن به امام حسین ع اختصاص یافته است.

این کتاب از مهم‌ترین منابع روایی شیعه در مساله زیارت و از برخی جهت‌ها جامع‌ترین کتاب موجود است. همچنین کتبی که پس از آن در موضوع زیارت نگاشته شده به نوعی متأثر از این اثر هستند. برای نمونه می‌توان به کتاب‌های المزار شیخ مفید و المزار الکبیر ابن مشهدی در این زمینه اشاره کرد. همچنین این کتاب آراء برخی از رجالیان متأخر را در مبانی و زیرساخت‌های توثیق و تضعیف راویان-توثیقات عام-تحت تأثیر قرار داده است. باید افزود نسخه‌ای که هم‌اکنون از این کتاب موجود است؛ نسخه‌ی یکی از شاگردان ابن قولویه به نام حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی/ثلاج است. امروزه از زمان تولد یا وفات او اطلاعات خاصی در دست نیست. تنها گزارش قدما در رابطه با او مربوط به رجال نجاشی است.

نجاشی در رابطه با بوشنجی چنین نگاشته:

«الحسین بن احمد بن المغیره ابو عبد الله البوشنجی. کان عراقیا، مضطرب المذهب و

کان ثقة فیما یرویه». (نجاشی، ۱۳۶۵ ج، ص ۶۸)

همان‌گونه که از عبارت نجاشی مشخص است؛ بوشنجی با این که فاقد استحکام عقیدتی بوده، اما از جهت گزار شگری، شخصی ثقة و مورد اطمینان است. افزوده‌های وی در کتاب استادش ابن قولویه نیز حاکی از توثیق وی و مؤیدی برای نظر نجاشی در این زمینه است. چه آنکه وی هرگاه افزوده‌ای بر اثر استادش داشته، همانجا با قرار دادن قرینه‌ای

مخاطب را از آن آگاهی داده تا موجب اشتباه آن اضافه با متن اصلی کتاب نشود (برای نمونه ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶، باب ۸۲، ص ۲۴۹). توضیح بیشتر در این زمینه در مباحث پیش رو - ابهامات ناشی از افزوده - خواهد آمد.

۲. ابهامات پیرامون انتساب کتاب به ابن قولویه

پیش تر بیان شد که ابهامات موجود در رابطه با کامل الزیارات به سه دسته کلی تقسیم شده که رسالت نوشتار حاضر و اکاوی ابهامات در زمینه انتساب و شواهد پیرامونی آن است.

۲-۱. تردید در اصالت و اعتبار نسخه موجود

آقای محمدباقر بهبودی با توجه به اینکه ابن داود و علامه حلی، بوشنجی را در بخش ضعفای کتاب خود مدخل کرده اند (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ الف، بخش دوم، ص ۴۴۳)؛ اقدام به تضعیف بوشنجی کرده و از پی آن کامل الزیارات را نیز ضعیف برمی شمرد. وی در یکی از حواشی خود بر بحار الانوار چنین نگاشته است:

«نمونه ابن داود فی رجاله ناقلاً نص ذلك عن النجاشی و الغضائری، الا انه ادرجه فی القسم الثانی المختص بذکر المجروحین و المجهولین، كما فعل ذلك العلامة [حلی] فی رجاله و ذكره فی الضعفاء و یرد قوله او یقف فیہ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۵۵، پانویس ۲).

این پانویس در این مجلد از کتاب بحار الانوار متعلق به آقای محمدباقر بهبودی است و می گوید:

«ابن داود حلی عنوان (مدخل) وی [بوشنجی] را به نقل از نجاشی و [حسین بن عبیدالله] غضائری آورده، جز این که نام وی را در بخش دوم کتابش که مربوط به مجروحان و مجهولان است؛ ذکر کرده است. همان گونه که علامه [حلی] نیز در رجالش چنین کرده و نام او

[بوشنجی] را در زمره ضعفا و کسانی که کلامشان رد یا در آن

توقف می‌شود؛ ذکر کرده است».

در نقد این دیدگاه نکاتی تقدیم می‌شود:

۱- ابن داود حلی، بوشنجی را یک مرتبه به اعتبار توثیق نجاشی در بخش اول کتابش (راویان مورد اطمینان) (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ ب، بخش اول، ص ۳۸۵) و بار دیگر او را در بخش دوم (راویان مجروح و ضعیف) کتابش ذکر کرده و ظاهراً مستند او بنا بر متن کتاب، رجال ابن غضائری است (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ ب، بخش دوم، ص ۴۴۳). البته علت تضعیف، ذکر نشده که به احتمال همان اضطراب مذهب بوشنجی است. افزون بر این که امروزه نیز اصل کتاب ابن غضائری موجود نبوده و در نسخه بازسازی شده موجود، مدخل یا مطلبی مربوط به بوشنجی وجود ندارد. این احتمال را نیز نمی‌توان دور از نظر داشت که این نقیصه نقل شده از رجال نجاشی بوده که به اشتباه واژه "جش" در نسخه خطی و تصحیح، "غض" خوانده شده باشد.

۲- علامه حلی نیز مدخل بوشنجی را در بخش دوم کتاب خود و با نقل عبارت نجاشی در این زمینه آورده (علامه حلی، ۱۴۰۲ ب، بخش ۲، ص ۲۱۷) که در ظاهر دلیل این کار اضطراب در مذهب بوشنجی بوده است. عجیب آن که هر دو عالم اهل حله، نظر نجاشی در مورد وثاقت بوشنجی در مقام گزارشگری را منعکس کرده اما در نهایت به بوشنجی اعتماد نکرده‌اند. لازم به ذکر است که بخش دوم خلاصه الاقوال علامه حلی اختصاص به راویانی دارد که به دلیل اضطراب یا فساد مذهب و یا دیگر نقیصه های نقل شده در رابطه با آنان؛ توسط علامه حلی به عنوان افرادی که به آنان اعتماد ندارد؛ شناسانده شده‌اند (بنگرید به: دلبری، ۱۳۹۸، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ ربانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ علامه حلی، ۱۴۰۲).

- ۳- اقدام علامه حلی و ابن داود نمی‌تواند موجب تضعیف یا قده جدیدی در رابطه با یک راوی باشد؛ چه آن که آن‌ها با تکیه بر گزارشات قدما اقدام به این کار کرده و دلیل حکم آنان برای ما مشخص است و محملی برای قبول تقلیدوار این تضعیفات وجود ندارد.
- ۴- نکته‌ای که باید در رابطه با بوشنجی در نظر گرفت، نقل دست کم سه روایت از او توسط شیخ مفید است که می‌توان آن را مؤیدی بر توثیق بوشنجی توسط نجاشی دانست (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۵، مجلس دوم؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۲، مجلس هشتم؛ محمد بن محمد مفید و مفید، ۱۴۰۳، ص ۲۳، مجلس سوم).
- ۵- از قدما تنها نجاشی مدخلی را به بوشنجی اختصاص داده و اطلاعات ما محدود به همان داده‌هاست که بر اساس آن اطلاعات، بوشنجی شخصی موثق است.
- در نتیجه، ضعف نسبت داده شده به بوشنجی بی پایه بوده و او از جهت گزارشگری شخصی مورد وثوق است و کامل الزیارات ابن قولویه - که امروزه از طریق او به دست ما رسیده - نیز مورد اطمینان است.

۲-۲. یادکرد غریب ابن قولویه در اثر

بهبودی معتقد است که با توجه به کاربرد تعبیری غریب در رابطه با ابن قولویه در کامل الزیارت؛ مؤلف کتاب شخص دیگری به نام بوشنجی بوده که با اصل قرار دادن روایات یا کتاب ابن قولویه و افزودن روایاتی چند بر آن، کتاب دیگری تولید نموده است. (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۵۵، پانویس ۲) سرشار نیز به منظور شاهد آوردن برای این فرضیه در ضمن مقاله‌اش چنین نگاشته:

«کاربرد تعبیری مانند رحمه الله و رضی الله عنه و الحقه بموالیه بعد از نام ابن قولویه، یا ذکر نام وی بعد از القابی همچون شیخی و شیخنا در متن این اثر (ص ۲۷۹، ۲۷۳، ۲۷۲) نشان می‌دهد کامل الزیارات بعد

از درگذشت جعفر بن محمد بن قولویه تالیف شده است». (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸).

۲-۳. تقدیم خطبه بر طریق [کتاب]

دومین شاهد ارائه شده بر فرضیه بهبودی مقدم شدن خطبه کتاب بر طریق آن است. توضیح آنکه مطابق نظر بهبودی اگر مؤلف کتاب ابن قولویه بوده؛ می‌بایست راوی کتاب - یعنی بوشنجی - ابتدا طریق خود به مؤلف را بیان می‌داشته و سپس خطبه استادش را نقل می‌کرده؛ در حالی که خطبه کتاب بر طریق بوشنجی به این اثر مقدم شده است. بهبودی از این قضیه اینطور نتیجه گرفته که بوشنجی مؤلف کتاب است و نه استادش ابن قولویه. او در این رابطه می‌نویسد:

«و الظاهر من تأخیر سند الكتاب عن الخطبه و الفهرس انه - بوشنجی - هو الذی انشا الخطبه و رتب الفهرس، لا شیخه، و الا لوجب تقدیم سند الكتاب علی الخطبه کما فی غیر واحد من اسناد کتب الحدیث» (مجلسی، ج ۲۸، ص ۵۶؛ سرشار، ص ۱۶۰).

ترجمه: از تأخیر سند کتاب از خطبه و فهرست آن چنین بر می‌آید که او - بوشنجی - کسی است که خطبه را نگاشته و فهرست را مرتب کرده است، نه استادش ابن قولویه. اگر این چنین نبود، تقدیم سند کتاب بر خطبه [آن] لازم می‌نمود، همان‌گونه که در بسیاری از اسناد کتب حدیث این چنین است.

پیرامون دو ابهام/شبهه پیش گفته چند نکته تقدیم می‌شود:

۱. مواردی که در رابطه با یادکرد غریب ابن قولویه در کامل الزیارات بیان شده، همگی مربوط به افزوده‌هایی است که شاگردش بوشنجی بر این کتاب داشته است. البته مساله افزوده‌های واقع شده بر این کتاب در بخش مربوط به خود به تفصیل پیگیری خواهد

^۱ در تفاوت سند با طریق می‌توان چنین توضیح داد: سند راه رسیدن به یک روایت و طریق راه دسترسی به مجموعه‌ای از روایات - در قالب کتاب و ... - است.

شد اما گذرا باید گفت که این موارد همان گونه که در متن کتاب نیز مشخص است، افزوده‌های نشانه دار راوی کتاب هستند؛ که با توجه به عبارات او، این تعبیر مربوط به پس از رحلت ابن قولویه بوده و این ضروری به صحت انتساب اثر به ابن قولویه نمی‌زند.

۲. با کاوشی گذرا در کتب قدما این نکته به آسانی به دست می‌آید که آن عصر برای تحمل حدیث شیوه‌های گوناگونی وجود داشته که متداول‌ترین آن‌ها شیوه‌ی قرائت و سماع بوده است. توضیح آن که در حلقه‌های درسی، استاد کتاب یا روایات خود را قرائت می‌کرده و شاگردان با سماع - یا بالعکس - و استنساخ آن، به مرور زمان اجازه روایت آن کتاب یا روایات را از استاد خویش دریافت می‌کردند. می‌توان در این زمینه به اجازاتی مانند «بلاغ»‌های مختلف در این زمینه اشاره کرد. منظور از بلاغ، نسخه خطی پس از نگارش است که گاه توسط مؤلف و گاه به واسطه شخص دیگری غیر از مؤلف با نسخه اصلی مقابله می‌شده است. پس از مقابله با عبارات متنوع اصل این مقابله و به طور معمول شیوه مقابله را گزارش می‌کردند که همگی این علامات و عبارات را «بلاغ» می‌نامند. (بنگرید به: صدرایی خویی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹؛ صدرایی خویی و محمودی، ۱۳۹۶، ص ۴۰-۴۱).

طبیعی است که در این میان شاگردان با عباراتی از استاد خود نیز یاد می‌کردند و گاه که شاگردان پس از مدتی دست‌نوشته‌های اولیه خویش را تبدیل به متن نهایی کرده و یا حواشی - افزوده‌هایی - را بر نسخه خود از کتاب استاد شان می‌افزودند، استاد وفات یافته بود و با عباراتی مانند "رحمه الله" و شبیه آن از او یاد می‌کردند که در ادامه به مواردی از آن اشاره خواهد شد. طُرفه آن که هنوز هم چنین شیوه‌ای در حوزه‌های علمیه شیعه تاحدودی مرسوم است. افزون بر اینکه به صرف این مطلب که امروزه نسخه شاگرد به دست ما رسیده و نه استاد؛ نمی‌توان به مغایرت میان کتاب استاد با نسخه شاگرد حکم داد.

۳. با بررسی اجمالی در کتب شیعه می‌توان موارد مشابهی در یادکرد غریب راوی کتاب از استاد - البته در نگاه بهبودی - و نیز تقدیم خطبه بر طریق به کتاب را یافت که برای نمونه به برخی از این آثار و عبارات طرق آنها اشاره می‌کنیم:

نام کتاب	مؤلف	متن طریق به کتاب
تفسیر قمی	علی بن ابراهیم قمی (زنده در: ۳۰۷ق)	قال و حدثنی ابی عن محمد بن ابی عمیر... (قمی، ۱۴۰۴، ص ۱، ص ۲۸)
کافی	محمد بن یعقوب کلینی (م: ۳۲۹ق)	اخبرنا ابو جعفر محمد بن یعقوب قال حدثنی عدّه من اصحابنا... (کلینی، ۱۳۶۳ الف، ج ۱، ص ۱۰)
هدایه الكبرى	حسین بن حمدان خصیبی (م: ۳۳۴ق)	قال السيد ابو عبدالله الحسين بن حمدان الخصیبی رضی الله عنه حدثنی جعفر بن محمد بن مالک... (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۳۵)
تمحیص	محمد بن همام اسکافی (م: ۳۳۶ق)	حدثنی ابو علی محمد بن همام قال حدثنی عبدالله بن جعفر... محمد بن همام اسکافی، تمحیص (پژوهشکده باقر العلوم (ع)، انتشارات نورالسجاد: قم، ۱۳۸۸)، ۳۰.
کتاب من لا یحضره الفقیه	شیخ صدوق (م: ۳۸۱ق)	قال الشيخ السعيد الفقيه ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسی بن بابویه القمی مصنف هذا الكتاب رحمه الله عليه... (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵)
کتاب التوحید	همو	قال ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسی بن بابویه القمی رضی الله عنه... (ابن بابویه، ۱۴۱۶، ص ۱۸)
اختصاص	منسوب به شیخ مفید (م: ۴۱۳ق)	قال محمد بن محمد بن النعمان حدثنی ابو غالب... محمد بن محمد مفید، الاختصاص (جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي: قم، بی تا)، ۱.

موارد مشابهی از این دست وجود دارد که با رجوع به کتب حدیثی قدما مشهود و قابل پیگیری است.

۴. همان گونه که در نمونه‌های ذکر شده مشخص است، این گونه نیست که اصل و رسم میان محدثان بر تقدیم طریق کتاب به خطبه آن باشد؛ بلکه به عکس می‌توان گفت شیوه اصلی یا دست کم آنچه در بیشتر کتب حدیثی رخ داده خلاف ادعای مطرح شده بوده

و خطبه کتاب بر طریقی مقدم شده است. افزون بر این که مستند و دلیلی بر این ادعا ارائه نشده است. در *کامل الزیارات* نیز، اگر نام راوی در آغاز خطبه نیست و از آن سو نام ابن قولویه در آغاز سند حدیث اول کتاب است این به دلیل مشی محدثان و راویان بوده که روایت را در آغاز سند احادیث و نه اول خطبه کتاب قرار می‌داده‌اند و این را هر آگاهی بر سنت محدثان می‌داند. (انصاری، بی تا)

۵. انتساب *کامل الزیارات* به ابن قولویه امری مشهور بوده که این شهرت بر کسی پوشیده نیست. برای نمونه ذکر شهادت سید ابن طاوس (م: ۶۶۴ق) بر وجود چنین کتابی در نزد او از ابن قولویه آن هم به ضمیمه دستخط جدش شیخ طوسی جالب به نظر می‌رسد:

«رؤینا ذلك یاسنادنا إلى جدّي أبي جعفر الطوسي، عن الشيخ المفيد
محمد بن محمد بن النعمان، عن شيوخه أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه قدس الله جل
جلاله أرواحهم، من كتابه الذي سماه كامل الزيارات، من نسخة عليها خط جدي أبي
جعفر الطوسي» (ابن طاووس، ۱۴۱۴ الف، ص ۷۳).

بر اساس این گزارش، نسخه‌ای که به واسطه‌ی دیگر شاگرد ابن قولویه یعنی شیخ مفید از *کامل الزیارات* نگاشته شده، به دست سید رسیده و حداقل تا آن عصر موجود بوده است. گفتنی است شهرت انتساب چنین کتابی را نمی‌توان به صرف یک گمانه زنی و فرضیه زیر سؤال برد. با توجه به اینکه شیخ مفید علاوه بر ابن قولویه، شاگرد بوشنجی نیز بوده؛ این احتمال که نسخه او از *کامل الزیارات* نیز به واسطه بوشنجی به ابن قولویه برسد، بعید به نظر نمی‌رسد.

۴-۲. گزارشات متفاوت شیخ طوسی و نجاشی از عنوان کتاب

نجاشی از این کتاب با عنوان کتاب الزیارات (نجاشی، ۱۳۶۵ ب، ص ۱۲۴) یاد می‌کند. شیخ طوسی اما عنوان جامع الزیارات (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۹) را گزارش کرده است. ممکن

است گزارش شیخ و نجاشی نیز به عنوان شاهدی برای فرضیه اثبات مغایرت کتاب ابن قولویه با کامل الزیارات استفاده شود؛ چنانچه سرشار نگاشته:

«نام اثر وی را هم، کتاب الزیارات یا جامع الزیارات - و نه کامل الزیارات - آورده‌اند. با این حال دست کم در سده‌های اخیر، کامل الزیارات فوق الذکر همان اثر ابن قولویه تلقی شده است» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴).

در رابطه با تغایر اسامی گزارش شده از کتاب با نام کنونی آن، نکات ذیل تقدیم می‌شود:

۱- مؤلف کتاب یعنی ابن قولویه در دیباچه کتابش در رابطه با عنوان کتاب چنین می‌نگارد: «... و سمیته کتاب کامل الزیارات و فضلها و ثواب ذلك و فصلته أبوابا...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۴). امروزه نیز آنچه که برای این کتاب شهرت دارد هماهنگ با مقدمه خود کتاب، یعنی عنوان کامل الزیارات است. پیش‌تر ذکر شد که سید ابن طاوس - در قرن هفتم قمری - نیز به هنگام یادکرد از کتاب ابن قولویه از عنوان کامل الزیارات استفاده می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۴ ب، ص ۷۳) و نه عنوان دیگری. آقا بزرگ تهرانی نیز پس از یادکرد از دو عنوان گزارش شده توسط شیخ و نجاشی برای این کتاب، می‌نویسد: «البته عنوان مشهور [این کتاب] کامل الزیارة است». (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۵۵)

۲- ساده‌ترین تبیین برای مساله اختلاف در گزارش عنوان این کتاب این است که نام‌های گزارش شده توسط شیخ طوسی و نجاشی، از لحاظ معنا اختلاف قابل توجهی با عنوان اصلی ندارند؛ یکی کلمه‌ای کمتر داشته و دیگری عبارتی مترادف با عنوان اصلی است. افزون بر اینکه فهرست‌نگاران شیعه همیشه در مقام گزارشگری دقیق از نام کتاب

نبوده‌اند؛ بلکه گاه عنوانی را که متناسب با موضوع و محتوای کتاب است برای آن برشمرده و یا نامی که برای کتاب مشهور بوده و یا حتی عنوان انتخابی خود را گزارش کرده‌اند!

۵-۲. افزوده‌ها و تعابیر حاکی از افزوده

بخشی از ابهامات در رابطه با این کتاب، در نتیجه برخی افزوده‌ها به کامل‌الزیارات و یا تعبیری حاکی از زیاده است. افزوده‌هایی که بوشنجی بر کتاب داشته موجب شکل‌گیری چهار ابهام برای بهبودی شده تا جایی که فرضیه‌ی تعلق اثر حاضر به بوشنجی مطرح شده است. اما پیش از پرداختن به این ابهامات شایسته است که این افزوده‌ها با نگاهی اجمالی از نظر گذرانده شوند. گفتنی است که تمامی افزوده‌های شناسایی شده بوشنجی بر کتاب محدود به پنج مورد است:

شماره افزوده	آدرس	عبارت سند
اول	باب ۸۲، حدیث پنجم، ص ۲۴۹	وَ زَادَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَقِبَ هَذَا الْحَدِيثِ فِي هَذَا الْبَابِ بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ حَبْدَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ نَعِيمِ السَّمَرَقَنْدِيِّ...
دوم	همان باب، حدیث نهم، ص ۲۵۰	وَ مِنْ زِيَادَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ مَا فِي حَدِيثِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا الْقُتَيْبِيِّ...
سوم (به احتمال بسیار)	همان، حدیث دهم	حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي زَاهِرٍ...
چهارم	باب ۸۸، حدیث اول، صص ۲۵۹-۲۶۶	للحسين بن أحمد بن المغيرة فيه حديث- رواه شيخه أبو القاسم رحمه الله مصنف هذا الكتاب و نقل عنه...
پنجم	باب ۹۰، حدیث سوم، ص ۲۷۳	قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ...

^۱. برای نمونه نجاشی و شیخ طوسی از کتب حسین بن سعید با عنوان ثلاثون کتاب نام می‌برند حال آنکه عناوین این کتب چیز دیگری است (نجاشی، ص ۵۹؛ طوسی، ص ۱۴۹). یا نام گذاری کتب صفوان بن یحیی به ثلاثون کتاب توسط نجاشی (نجاشی، ص ۱۹۷) و نیز نام گذاری کتاب *نوادیر الحکمه* احمد بن محمد بن یحیی توسط قمی ها به *دبه* [روغن] شیبیب! (نجاشی، ص ۳۴۹).

۱-۵-۲. افزوده‌های بوشنجی بر کتاب

برای توضیح بیشتر در این باره به نقل پاره ای از عبارت‌های سرشار می پردازیم:

«محمد باقر بهبودی ... معتقد است کامل الزیارات کنونی اثر ابن قولویه نیست بلکه نتیجه بازنویسی اثر ابن قولویه توسط یکی از شاگردان او، و آکنده از درج ها و اضافات است. ... وی (بوشنجی) با اصل قرار دادن مجموعه‌ی روایات استاد خود - ابن قولویه - و البته با بهره گرفتن از روایات دیگر استادانش، کامل الزیارات را پس از درگذشت ابن قولویه تالیف نموده است» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷).

این عبارت اشاره به حاشیه بهبودی بر بحارالانوار دارد که وی در آن به دلیل وجود ادراجاتی در کتاب که توسط بوشنجی صورت گرفته، کتاب را از آن او - و نه ابن قولویه - می داند (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۵۵).

همچنین سرشار در جای دیگر می نویسد:

«بهبودی نه از این موضوع به تنهایی، که از نهادن آن در کنار شواهد و قرائنی دیگر به نتیجه پیش گفته (عدم صحت انتساب به ابن قولویه) می رسد» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۰).

با توجه به حاشیه بهبودی ذیل روایت اول باب ۸۸ کامل الزیارات که در بحارالانوار نقل شده، در ظاهر زیاده‌ای که ایندو در این فقره به آن اشاره کرده‌اند؛ همین یک روایت و یا حداکثر ۵ روایت از مجموع ۷۵۵ روایت کتاب است. بوشنجی در باب ۸۸ کامل الزیارات روایتی را - با ذکر قرائن و شواهد مشخص برای خواننده - بر کتاب افزوده است.

بوشنجی در توضیح افزوده خود در این باب می نگارد:

«للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه أبو القاسم رحمه الله مصنف هذا الكتاب و نقل عنه... ذهب علي شيخنا رحمه الله أن يضمه كتابه هذا و هو مما يليق بهذا الباب... وقد كنت استفتت هذا الحديث بمصر - عن شيعي أبي القاسم علي بن

محمد بن عبدوس الکوفی رحمه الله... و قد ذاکرت شیخنا ابن قولویه بهذا الحدیث بعد فراغه من تصنیف هذا الكتاب لیدخله فيه فما قضی - ذلك و عاجلته مینته رضي الله عنه... و هذا الحدیث داخل فیما أجاز لی شیخی ره و قد جمعت بین الروایتین... و ذلك أني ما قرأته علی شیخی ره... (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۶۰).

به صورت خلاصه او انگیزه خود از این کار اینطور توضیح می‌دهد که روایتی را که از خود ابن قولویه دریافت کرده در این باب می‌آورد و دلیلش هم این است که استادش قصد این کار را داشته اما اجل به او مهلت نداده، پس او این کار را به اتمام می‌رساند (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۶۰).

سرشار در این باره چنین نگاشته است:

«نویسنده این باب توضیح می‌دهد که در این باب حدیثی است که مصنف این اثر - ابن قولویه - نیز آن را در جایی غیر از این کتاب روایت کرده [است]. این سخن بدان معناست که وی نوشتار ابن قولویه را برگرفته و دست کم این باب را بدان افزوده، و در این افزونه‌ها نیز به نقل‌های خود ابن قولویه نظر داشته است. بهبودی شکاکیت خود را از این هم فراتر می‌برد و محتمل می‌داند که دخل و تصرف‌های بوشنجی در این اثر، محدود به درج این موارد نباشد» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲).

حال که محل ابهام و نزاع در مساله روشن شده، چند نکته پیرامون آن تقدیم می‌شود:

۱- مساله افزوده نگاری بر کتب به دو صورت قابل تصور است:

الف) اضافات به قدری باشد که ماهیت اثر را تحت الشعاع قرار داده و آن را به کتابی دیگر تبدیل کند. این مورد همان صورت فرضی است که بهبودی و سرشار در مورد کامل الزیارات بدان معتقدند که پیش‌تر نیز کلام آنان در این زمینه ذکر شد. برای اینکه این فرضیه اثبات شود نیاز به قرائن و شواهد متعددی داریم - از جمله وجود نسخه دیگری از اثر

اصلی تا از رهگذر مقابله با نسخه دارای افزوده، دوگانگی و افتراقات آنان مشخص شود - که چنین شواهد و مستندات در دست نیست.

ب) اضافات جزئی؛ به صورتی که اصل اثر به قوت خود باقی بوده و صرفاً چند گزارش در لابلای حجم عظیم محتوای کتاب گنجانده شود که خود به دو صورت است: بدون نشانه گذاری؛ این عدم نشانه گذاری اگر موجب تدلیس و فریب مخاطب را فراهم آورد، از عوامل جرح راوی بوده که به دلیل توثیق موجود در رابطه با بوشنجی (نجاشی، ۱۳۶۵ الف، ص ۶۸) و عدم وجود قرینه‌ای در این زمینه، این فرض نیز منتفی است.

با نشانه گذاری؛ این مورد در حقیقت چیزی است که در کامل الزیارات با آن مواجهیم. راوی کتاب در تمامی موارد اضافاتی که شناسایی شده؛ آنها را با قرائن متعدد نشانه گذاری نموده است.

افزون بر اینکه به صرف ادعای احتمال وجود اضافات دیگری بر اثر آن هم بدون ذکر دلیل و مستند نمی‌توان مدعی مغایرت نسخه موجود با اثر ابن قولویه شد. طرفه آنکه با وجود ادعای قرائن متعدد از سوی منتقدان به کتاب، ایشان هیچ‌گاه مستندات خود را ارائه نکردند.

۲- در گذشته راویان و دانشوران اسلامی با اهدافی چون رفع نقایص و یا تکمیل کتاب دست به تلخیص، افزودن و یا حتی تغییرات گسترده‌ای در ساختار کتاب همچون تبویب آثار می‌زدند. برای نمونه افزوده‌های محمد ابن ابی عمیر بر کتاب حلبی (برای اطلاع در این زمینه بنگرید به: عباس مفید، ۱۳۹۸) اضافات علی بن مهزیار بر برخی از کتب حسین

بن سعید، افزوده‌های عبدالرحمن بن ابی نجران بر کتاب *القضایا* محمد بن قیس،^۱ تبویب برخی از کتب حدیثی توسط داود بن کوره و ... همه از این دست هستند. در نتیجه افزودن روایاتی بر یک کتاب روایی در میان محدثان امری متعارف و رایج بوده و تا زمانی که ماهیت یک اثر کاملاً تغییر نمی‌یافته؛ آن اثر متعلق به مؤلف آن و نه افزوده‌نگار بوده و هست. در *کامل الزیارات* که وضعیت بسیار خوبی وجود دارد چه آنکه این افزوده‌ها با نشان‌گذاری مناسب و به شدت اندک - حدود ۵ گزارش از حدود ۷۵۵ گزارش موجود در کتاب - هستند.

جالب آنکه سرشار خود نیز به متعارف بودن افزوده‌های جمعی از دانشوران در آثار دیگران اشاره کرده و می‌نویسد:

«درج مطالبی در ضمن آثار دیگران، البته پدیده‌ی شناخته‌شده‌ای است» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲).

۳- بوشنجی در هنگام درج حدیثی در ابتدای باب ۸۸ به دو نکته اشاره می‌کند:

الف) در حال مذاکره با استادش ابن قولویه بوده تا این روایت را بر کتاب استادش بیافزاید اما اجل استاد را مهلت نداده، فلذا خود بوشنجی این روایت را می‌افزاید. این گزارش می‌تواند حاکی از راضی بودن ابن قولویه به این امر باشد، چه آنکه بوشنجی این روایت را از جمله روایاتی بر می‌شمرد که از استادش ابن قولویه دریافت کرده و نقل

^۱ «قال أحمد بن أبي عبد الله البرقي: إن علي بن مهزيار أخذ مصنفات الحسين بن سعيد و زاد عليها في ثلاثة كتب منها زيادة كثيرة أضعاف ما للحسين منها: كتاب الوضوء و كتاب الصلاة و كتاب الحج و سائر ذلك زاد شيئاً قليلاً» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۶۶-۲۶۵).

^۲ «عبد الله بن محمد بن خالد عن عبد الرحمن بن أبي نجران بكتابه القضایا و هو كتاب محمد بن قيس رواه عن عاصم بن حميد عن محمد و زاد عبد الرحمن فيه زيادات» (نجاشی، ۱۳۶۵ الف، ص ۲۳۵).

^۳ «و هو الذي بوب كتاب النوادر لأحمد بن محمد بن عيسى و كتاب المشيخة للحسن بن محبوب السراد (نجاشی، ۱۳۶۵ الف، ص ۱۵۸) و «بوب كتاب النوادر لأحمد بن محمد بن عيسى» (برقی، ۱۳۴۲، ص ۴۲۶؛ طوسی، بی‌تا، ص ۱۸۳).

روایت توسط راوی-ابن قولویه-به معنای قبول محتوای آن توسط او است. یکی از منتقدان اما، این عبارات را حاکی از عدم رضایت ابن قولویه تلقی کرده و می نویسد:

«نقل هایی که چه بسا ابن قولویه با همه ی مذاکرات [بوشنجی با او]، وی را ضعیف به درج آن‌ها در اثر خود نشده است» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲).

ب) بوشنجی پس از نام بردن از استادش ابن قولویه از او به عنوان «مصنف هذا الكتاب» یاد می کند (ابن قولویه، ۱۳۵۶، باب ۸۸، ص ۲۶۰). این بهترین مستند و قرینه بر عدم مغایرت نسخه موجود با اصل اثر ابن قولویه و این همانی آنهاست. چه آنکه با تصریح روشنی که راوی کتاب به انتساب اثر به ابن قولویه دارد، جای هیچ گونه شک و گمانه زنی در این زمینه باقی نمی ماند.

۲-۵-۲. تعابیر حاکی از درج زیادات

از جمله شواهدی که سرشار برای تقویت نظریه خود- مبنی بر تعلق اثر به بوشنجی-ارائه می دهد، تعابیر حاکی از افزوده‌های بوشنجی به اثر استادش است. اگرچه نگارنده این قلمی، چگونگی دلالت این تعابیر بر مغایرت نسخه موجود با اثر ابن قولویه را دریافته و به نظر می رسد عبارات سرشار نیز دلالت بر تعلق اثر به ابن قولویه دارد؛ نه تعلق اثر موجود به بوشنجی و تقویت نظریه ایشان. توضیح آنکه سرشار در جای جای قلمی خود در این بخش به امانت داری بوشنجی تصریح، و نیز بر دلالت تعابیر حاکی از ادراج بر جزئی بودن تصرفات بوشنجی در کتاب استادش ابن قولویه شهادت داده است.

برای نمونه می نویسد:

«عباراتی چون "من زیاده الحسین" یا "زاد الحسین" می تواند حاکی

از این دانسته شود که بعد از وفات ابن قولویه، بوشنجی در این اثر

ویرایش هایی اعمال کرده است ... به نظر می رسد زیادات بوشنجی

بر اثر ابن قولویه، ویرایش‌هایی جزئی به شمار می‌روند؛ ویرایش‌هایی که وی همواره خود بدان تصریح کرده و راه را بر سوء تفاهم خواننده و اشتباه گرفتن مؤلف حقیقی اثر با درج‌کننده‌ی عباراتی جزئی بسته است» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۴).

۳-۵-۲. پنداره نقل از شاگردان ابن قولویه در کتاب

سرشار در نقدی دیگر بر کتاب کامل الزیارات می‌نویسد:

«در کامل الزیارات نویسنده گاه از افرادی روایت می‌کند که به طبقه شاگردان ابن قولویه تعلق دارند؛ نه استادان وی. چنین پدیده‌ای با نگارش اثر به دست شاگرد ابن قولویه سازگارتر است و احتمال گسترده‌تر بودن دامنه‌ی درج‌ها در کتاب را بیشتر می‌کند» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۳).

منظور سرشار از این عبارات به احتمال، همان روایت موجود در صفحه ۲۴۹ کتاب با

این متن است:

«قال ابن قولویه و زاده الحسين بن أحمد بن المعيرة عقب هذا الحديث في هذا الباب بما أخبره به حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي بإجازته بخطه باجتناباً للحج عن أبي النضر محمد بن مسعود العياشي عن علي بن محمد» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۴۹).

این حدیث در شماره گذاری جدید کتاب به عنوان پنجمین حدیث باب در نظر گرفته شده است. سرشار با توجه به عبارات این سند چنین فهمیده که ابن قولویه روایتی را به واسطه شاگردش بوشنجی نقل کرده است.

اکنون در رابطه با این سند می‌توان دو احتمال را در نظر گرفت:

۱- عبارت "قال ابن قولویه" مربوط به حدیث قبل و نه ابتدای سند بعد بوده و بوشنجی با این عبارت قصد داشته تا به مخاطب بفهماند که کلام ابن قولویه تمام شده و از ابتدای عبارت "زاده الحسین..." افزوده اوست که چنین نشانه گذاری شده است. این فرض با توجه به اینکه حیدر بن محمد از اقربان ابن قولویه و از شاگردان وی و نیز شاگرد کشی و عیاشی است، به واقع نزدیک تر می نماید (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۶). افزون بر این که در نسخه های خطی کهن، بنا بر شماره گذاری روایات نبوده و اسناد نیز به صورت مسلسل نبوده و روایات به صورت پشت سر هم چینش می شده که نتیجه بررسی چندین نسخه خطی از کتاب *کامل الزیارات* توسط نگارنده نیز موید این ادعاست (برای نمونه ر.ک: نسخه های خطی کتاب کامل الزیارات به شماره گان ۸۱۲۴۵۳، ۱۲۲۰۸۴۶ و ۱۰۸۵۸۴۴ موجود در سایت «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران - نسخه های خطی»).

۲- ابن قولویه این روایت را -به دلیل اینکه ذکر آن را لازم می دانسته- از شاگردش بوشنجی و از طریق او از دیگر شاگردش حیدر بن محمد بن نعیم ذکر کرده باشد! به دلیل اینکه چنین شیوه ای نزد قداما در غایت ندرت بوده- تا بدانجا که چنین روایاتی را با برجسیبی چون روایه الاقران نشانه گذاری نموده اند (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳) - و قرینه ای نیز بر وقوع آن در دسترس نیست، صحیح به نظر نمی رسد.

از آنچه بیان شد می توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

الف) ادعای سرشار این است که موارد فراوانی سند به نقل از شاگردان ابن قولویه در کتاب موجود بوده که دلالت بر انتساب اثر به غیر او دارد؛ حال آنکه وی مورد دیگری را سراغ نمی دهد.

ب) این روایت نیز از افزوده های بوشنجی بوده و مساله روایت از شاگردان ابن قولویه در کتاب، صحیح به نظر نمی رسد.

دو روایت پایانی باب هشتماد و دوم کامل الزیارات به نقل از احمد بن ادریس (ابوعلی الاشعری) بوده که روایت اول با توجه به قرائن موجود، از زیادات بوشنجی بر کتاب است. چالش اما، روایت دوم بوده که مشخص نیست از زیادات بوشنجی و یا نص کتاب است. سند دو روایت بدین قرار است:

«و من زیادة الحسین بن أحمد بن المغيرة ما فی حدیث أحمد بن إدريس بن أحمد بن زکریا القمي قال حدثني محمد بن عبد الجبار عن علي بن إسماعيل عن محمد بن عمرو عن قائد [فائد] الحناط عن أبي الحسن الماضي (ع)؛ -حدثني أحمد بن إدريس قال حدثني أحمد بن أبي زاهر عن محمد بن الحسين الزيات عن حسين بن عمران عن عمران قال قلت لأبي الحسن (ع)» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، باب ۸۲، ص ۲۵۰).

سرشار با توجه به غریب بودن سند دوم و ناهمخوانی آن با شیوه نقل ابن قولویه، احتمال داده که این روایت از زیادات بوشنجی باشد. البته او این گونه عبارت پردازی بوشنجی را تصحیف به افتادگی (سقط) یا تدلیس می داند (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵-۱۶۶). با توجه به توثیق صریح نجاشی در رابطه با بوشنجی، احتمال تدلیس وی منتفی بوده و یا دست کم با وجود تذکار و آگاهی افزوده نگار در مواقع افزودن زیاده، احتمال قوی تری نسبت به گمانه منتقدان وجود دارد - مبنی بر اینکه اگر افزوده دیگری رخ می داد، افزوده نگار به سان دیگر موارد، نشانه‌ای به جای می گذاشت - اما احتمال تصحیف را نمی توان دور از واقع دانست.

تقدیم چند نکته در رابطه با این روایت ضروری می نماید:

^۱ تدلیس در کتب رجال و فهرست گاه با واژه تخلیط و خلط به کار رفته و نوعی در هم آمیختن چند چیز با یکدیگر که به سلامت و بهره برداری صحیح از آنها آسیب میرساند؛ است. انجام چنین کاری از سوی راوی، از عوامل تضعیف او و نقطه مقابل توثیق است. (بنگرید به: استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۸۲؛ حسینی شیرازی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۵-۳۷۸؛ غلامعلی، ۱۳۹۶، ص ۷۰)

۱- هر دو روایت از حیث سندی مرسل بوده، چرا که ابن قولویه و بوشنجی هیچ یک به لحاظ طبقه نمی‌توانستند راوی از احمد بن ادریس (م: ۳۰۶ق) (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵ الف، ص ۹۲) باشند. افزون بر اینکه ابن قولویه روایت دیگری نیز از احمد بن ادریس ندارد.

۲- این روایت در هیچ یک از دیگر کتب حدیثی شیعه به نقل از احمد بن ادریس موجود نیست. به علاوه اینکه چنین روایتی به نقل از ابن قولویه نیز در هیچ یک از کتب حدیثی وجود ندارد. گویا این روایات نیز با توجه به قرائن، از زیادات بوشنجی بوده و تصحیف به افتادگی در ابتدای سند آن رخ داده و یا اینکه با توجه به سند قبل، پدیده تعلیق در آن صورت گرفته است.

۶-۲. روایت از مهملان، مجهولان و ضعیفان

سرشار در جایی دیگر برای نزدیک ساختن مخاطب به نظریه استادش بهبودی می‌نویسد:

«در این اثر فراوان از شخصیت‌هایی نقل روایت می‌شود که عالمان شیعه در طعن ایشان متفق بوده‌اند... افزون بر این شماری قابل توجه از راویان روایات این اثر هم از مجاهیل هستند... و به طبع نقل روایت از ایشان با مقام محدثی سرشناس همچون ابن قولویه ناسازگار است... از دیگر سو، وی مؤلف اثری تلقی می‌گردد که حجم قابل توجهی از آن به نقل از راویان ضعیف و غیر قابل اعتماد اختصاص یافته است. نقل‌هایی که به طبع نمی‌توان از محدثی همچون وی انتظار داشت» (سرشار، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵-۱۵۷).

^۱ در فرایند تحدیث، به لحاظ طبقه و امکان درک و روایت مستقیم راویان یک طبقه از طبقه دیگر ضوابطی وجود دارد (برای اطلاع در این زمینه بنگرید به: پورموسی و حیدری فطرت، ۱۳۹۸).

در پاسخ به این عبارات و رفع آخرین ابهام در انتساب کامل الزیارات تقدیم چند نکته ضروری است:

۱- نظام اعتبارسنجی قدما یعنی وثوق به صدور روایت به واسطه قرائن متعدد؛ با رویکرد برخی متأخرین-وثوق به راوی یا در اصطلاح، وثوق به سند- متفاوت است. در نگاه قدما، یکی از قرینه های احراز صدور یک روایت، ثقه بودن راوی است و بالطبع قرائن دیگری نیز در این زمینه مورد نیاز است (استرآبادی، ۱۴۲۲، تعلیقات وحید بهبهانی، ج ۱، ص ۸۹ و ۱۶۷). آنگاه این مطلب پدیده اکثار روایت از ضعیفان در معتبرترین کتب حدیثی مانند کتب اربعه است. در نتیجه وجود روایات-ولو متعدد-از ضعیفان یا مجهولان به معنای عام-شامل مهملان و مجهولان اصطلاحی- در یک اثر در نگاه کسی که اندک آشنایی با کتب حدیثی داشته باشد؛ غریب نمی نماید (برای اطلاع در رابطه با شیوه اعتبارسنجی قدما و روش بازیابی منابع بنگرید به: حمادی و حسینی شیرازی، ۱۳۹۳). افزون بر اینکه در نگاه قدما روایات به دو دسته مقبول و نامقبول-و نه دسته بندی چهارگانه مکتب حله-تقسیم می شده است. ملاک آن نیز برآیند بررسی تمامی قرائن-و نه فقط سند- بوده است.

۲- ناگفته پیداست که فضای نقل روایات در شیعه-بخلاف اهل سنت-نظام نقل مکتوب و مجموعی روایات بوده است. در نتیجه در برخورد با یک سند که از یک مکتوب^۱ برش خورده، ممکن است با چند چیز مواجه باشیم:

طریقی که مؤلف کتاب مانند کلینی به یک کتاب دارد، مانند علی عن ایبه عن

ابن ابی عمیر؛

^۱ این قرائن به طور کلی مربوط به منبع، و سائط و مسائل پیرامونی نقل، و وضعیت متن و دلالات آن هستند. برای نمونه حدود ۵۰ قرینه مربوط به وضعیت یک روایت از وحید بهبهانی نقل شده است (بنگرید به: حسینیان قمی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۷۶-۸۱). همچنین در کتاب دفاع از حدیث از دیگر دانشمندان شیعی نیز سخنان سودمندی در رابطه با وضعیت اعتبارسنجی روایات موجود است.

نام مؤلف کتاب منبع، مانند ابن ابی عمیر؛

سند موجود در کتاب منبع تا امام (ع)، مانند: «عن جمیل بن دراج عن فضیل بن

یسار [عن ابی عبدالله (ع)]». (کلینی، ۱۳۶۳ ب، ج ۲، ص ۲۶)

در نتیجه، برخورد با چنین پدیده ای فقط با در نظر گرفتن سند و صرفاً با توجه به نقش راوی و چشم پوشی از دیگر قرائن محوری پیرامون نقل روایات، موجب قضاوت ناصحیح در رابطه با میراث حدیثی شیعی خواهد شد.

در نظام مکتوب محور، آنچه محور و سنگ آسیاست، کتاب و مصنف آن؛ و نه واسطه‌ها هستند. علت پدیده کثرت نقل از بسیاری از مجهولان، ضعیفان و مهملان نیز همین بوده؛ چرا که ایشان ناقلان کتب بوده و نقشی محوری ایفا نمی‌کردند (بنگرید به: حسینی شیرازی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۳-۲۱۵، ص ۲۳۶-۲۱۹). البته احراز عدم دسّ آنان در این فرایند مساله ای مستقل است که قطعاً با توجه به پایش های مستمر و مکاتب حدیثی سخت گیری چون قم و بغداد، تکلیف آن مشخص و البته از محل بحث ما بیرون است (بنگرید به: محمد کاظم طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۷۶-۸۵، ص ۱۱۲-۱۱۹؛ مهریزی، ۱۳۹۸، ص ۸۱-۸۲، ص ۸۹-۹۰).

۳- نکته دیگری که باید بدان التفات شود، رسالت کتب رجالی موجود است. کتب رجالی موجود، به خصوص کتبی که بیشترین حجم توصیفات کاربردی رجالی در آنان موجود است، متصدی معرفی صاحبان آثار مکتوب و برخی از آثار ایشان بوده اند. در نتیجه بدیهی است که ایشان در کتب خود مدخلی برای راویان بدون اثر نمی‌گشوده اند. و نیز به همین دلیل امروزه با حجم گسترده راویان مهمل یا فاقد توصیف کاربردی مواجهیم.

به دیگر سخن، کتب موجود رجالی شیعه هیچ یک در پی ارائه توصیفات کاربردی برای غیر صاحبان اثر و راویان صرف نبوده و در نگاه وثوق صدوری - نگاه قدما و اکثریت

۱. مراد از توصیفات کاربردی، عباراتی است که از رهگذر آنان به توثیق یا تضعیف یک راوی پی می‌بریم.

شیعه به جز پیروان مکتب حله - نیازی به این مطلب دیده نمی شود. در نتیجه، انتظار مدخل گشودن و یا توثیق تمامی راویان یک کتاب از سوی رجالیان و فهرستیان شیعه، پدیده‌ای عجیب و ناشدنی و خارج از حیطه‌ی کارکرد این آثار است.

افزون بر اینکه در عصر حاضر تمامی مکتوبات کهن رجالی در دسترس نبوده و بسیاری از آنها از بین رفته‌اند؛ که در صورت وجود آنها وضعیت بهتر و مشخص تری برای داوری‌های رجالی فراهم بود. به هر صورت آنچه که امروز با آن مواجهیم، تعداد اندکی از این کتب در موضوعات مشخص است که باید بنا به واقعیت‌های موجود در این کتب و ریل گذاری آنها و نیز روش‌های اعتبارسنجی متقن پیش رفت تا دچار آفت ضعیف انگاری میراث حدیثی گرانسنگ شیعه نشویم.

نتیجه گیری

در رابطه با انتساب کتاب *کامل الزیارات* به مؤلف مشهور آن - یعنی جعفر ابن قولویه - تردیدها و گمانه‌هایی از سوی برخی معاصران مطرح شده است. در مجموع می توان این گمانه‌ها و دیگر مواردی که می تواند موجب ابهام در انتساب این کتاب - البته در نسخه موجود از آن به روایت بوشنجی - شود را در ۶ مورد خلاصه نمود: ۱. ابهام و ابراز تردید در اصالت نسخه موجود، ۲. تقدم یافتن طریق کتاب بر خطبه آن، ۳. یادکرد از مؤلف با الفاظی غریب مانند رَحْمَهُ اللهُ و مانند آن، ۴. گزارشات متفاوت نجاشی و شیخ طوسی از آنچه این کتاب امروزه بدان شهرت دارد، ۵. افزوده‌ها و تعابیر حاکی از آن و در نهایت ۶. نقل روایت از راویان مهمل، مجهول یا ضعیف در این کتاب.

با توجه به بررسی‌های انجام شده و تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله، نگارنده معتقد است که ابهامات بیان شده قابل پاسخگویی بوده و قرائن متقنی بر حل بسیاری از آنها موجود است. همچنین این ابهامات ضروری را متوجه صحت انتساب این کتاب به جعفر ابن قولویه قمی نمی کند. نهایت چیزی که قابل اثبات است، رُخ نمودن پدیده‌ی زیاده و افزوده

نگاری بر این اثر توسط راوی آن یعنی بوشنجی است. زیاداتی که به صورتی بسیار محدود - با افزوده شدن حدود ۵ روایت به مجموع ۷۵۰ روایت موجود در کتاب - و با نشانه گذاری مناسب انجام گرفته و مخاطب از آن مطلع گشته است.

منابع

قرآن کریم.

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*. احمد بن محمد حسینی. بیروت: دار الأضواء.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۴۳۱). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قد یمّا و حدیثا*. مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحی. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث (قم).
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۶). *التوحید*. تصحیح: هاشم حسینی طهرانی. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۴). *الدروع الواقیة*. تصحیح: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث. بیروت: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). *کامل زیارات*. تصحیح: عبدالحسین امینی، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی. نجف اشرف: دار مرتضویه.

۷. استرآبادی، محمد بن علی. (۱۴۲۲). **منهج الم قال فی تحقیق أحوال الرجال**. تصحیح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث.
۸. اسکافی، محمد بن همام؛ صالحی نجف آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). **تکامل و طهارت روح**. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. انصاری، حسن. (بی تا). «**بررسی های تاریخی**». بازیابی ۲۷ تیر ۲۰۲۱، از <https://ansari.kateban.com/print/3266>
۱۰. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۴۲). **الرجال**. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. پورموسی، مجتبی؛ حیدری فطرت، جمال الدین. (۱۳۹۸). «ترسیم طبقه روایی ابراهیم بن هاشم قمی و رفع چالش های پیش رو». **حدیث حوزه**، شماره ۱۸، صص ۱۲۹-۱۷۰.
۱۲. تقی الدین حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲). **الرجال**. تصحیح: جلال الدین محدث، احمد بن محمد برقی، و محمد کاظم میاموی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. حسینی شیرازی، سید علیرضا. (۱۳۹۸). **اعتبار سنجی احادیث شیعه: زیرساخت ها، فرایندها، پیامدها**. تهران: سمت.
۱۴. حسینیان قمی، مهدی. (۱۳۹۹). **دفاع از حدیث**. قم: [بی نا].
۱۵. حمادی، عبدالرضا؛ حسینی شیرازی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۳). «بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی». **حدیث پژوهی**، شماره ۱۱.
۱۶. خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۹). **الهدایة الکبری**. بیروت: مؤسسه البلاغ.
۱۷. دلبری، سیدعلی. (۱۳۹۸). **آشنایی با اصول علم رجال**. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۸. ربانی، محمد حسن. (۱۳۸۵). **سبک شناسی دانش رجال الحدیث**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
۱۹. رفعت، محسن. (۱۳۹۴). پایان نامه دکتری: **نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین (ع)**. استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش. قم: دانشگاه قم.
۲۰. رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم السادات. (۱۳۹۶). «روایات عاشورایی کامل زیارات در بوته نقد». **شیعه پژوهی**، شماره ۱۲، صص ۱۰۷-۱۴۰.
۲۱. «روایات عاشورایی کامل زیارات در مرور»، شیعه شناسی ۱۲ (۳): ۱۰۷-۱۴۰.
۲۲. **سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران**. (بی تا). بازیابی ۲۷ تیر ۲۰۲۱، از <http://www.nlai.ir>
۲۳. سرشار، مژگان. (۱۳۹۵). «زیادات کامل زیارات و مسأله انتساب اثر به ابن قولویه». **مطالعات تاریخی قرآن و حدیث**، شماره ۵۹، صص ۱۵۳-۱۷۲.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۰). **البدایه فی علم الدرایه و بدایه الدرایه**، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: محلاتی.
۲۵. صدراپی خویی، علی. (۱۳۸۱). «دانش فهرست نویسی نسخه های خطی». **پژوهش و حوزه**، شماره ۹، صص ۱۳۹-۱۵۲.
۲۶. صدراپی خویی، علی؛ محمودی، عباس. (۱۳۹۶). «روش های فهرست نویسی نسخه های خطی». **علوم و معارف قرآن و حدیث**، شماره ۱۰، صص ۲۳-۵۸.
۲۷. طباطبایی، محمد کاظم. (۱۳۹۰). **تاریخ حدیث شیعه**. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). **الأمالی**. قم: دار الثقافة.

٢٩. طوسی، محمد بن حسن. (١٤٢٠). **فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء**
المصنفین و أصحاب الأصول. تصحیح: عبد العزیز طباطبایی و مؤسسه آل
 البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
٣٠. طوسی، محمد بن حسن. (١٤٢٧). **الرجال**. تصحیح: جواد قیومی اصفهانی. قم:
 جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
٣١. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **الفهرست**. تصحیح: محمد صادق بحر العلوم.
 قم: مکتبه المرتضویه.
٣٢. علامه حلی، حسن بن یوسف. (١٤٠٢). **رجال العلامة الحلی**. تصحیح: محمد
 صادق بحر العلوم. قم: الشریف الرضی.
٣٣. غلامعلی، مهدی. (١٣٩٦). **سند شناسی**. قم: دارالحدیث.
٣٤. قمی، علی بن ابراهیم. (١٤٠٤). **تفسیر القمی**. طیب موسوی جزایری. قم:
 دارالکتاب.
٣٥. کلینی، محمد بن یعقوب. (١٣٦٣). **الکافی**. تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران: دار
 الکتب الإسلامیه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
٣٦. مجلسی، محمد باقر. (١٣٦٨). **بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة**
الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٧. مفید، عباس. (١٣٩٨). «بررسی ابهاماتی پیرامون اصالت کتاب عییدالله بن علی
 حلی». **سفینه**، شماره ٦٢، صص ١٣٤-١٦٤.
٣٨. مفید، محمد بن محمد. (١٤٠٣). **الأمالی**. تصحیح: حسین استادولی و علی اکبر
 غفاری. قم: جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.

۳۹. مفید، محمد بن محمد. (بی تا). **الإختصاص**. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود موسوی زرنندی. قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۰. مهریزی، مهدی. (۱۳۹۸). **حوزه ها و مکاتب حدیثی**. قم: دارالحدیث.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). **رجال النجاشی**. تحقیق: موسی شبیری زنجانی. قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ الف)، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۹۸۶-ب)، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ج)، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

Software:

45. Jame al-Ahadith Noor 3/5; Qom: Noor Computer Research Center.
46. Derat al-Noor 1/2, Qom: Noor Computer Research Center.
47. Tarājim 3, Qom: Noor Computer Research Center.
48. Rjāl of Shi'a, Qom: Noor Computer Research Center.
49. Asnād of Sadūq, Qom: Noor Computer Research Center.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

1. Aqābuzurg Tehrani, Mohammad Mohsen (1403 AH), *Al-Dharī'a*, Research: Ahmed bin Mohammad Hosseini, Beirut: Dar al-Adwā'.
2. Ibn Shahr Āshūb, Muhammad bin Ali (1431 AH), *Ma'ālim al-'Ulamā*, Qom: Āl al-Bayt (AS) Institute.

3. Ibn Bābiwayh, Muhammad bin Ali (1416 AH), *Al-Tawhīd*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
4. Ibn Bābiwayh, Muhammad bin Ali (1984), *Man Lā Yahduruh al-Faqīh*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Al-Nashar al-Islami Foundation.
5. Ibn Tāwūs, Ali bin Musa (1414 AH-a), *Al-Durū' al-Wāqīyah*, Beirut: Āl al-Bayt (AS) Institute.
6. Ibn Qūliwayh, Ja'far bin Muhammad (1356 AH), *Kāmil al-Zīyārāt*, Research: Gholamreza Erfanian Yazdi, Najaf Ashraf: Dar Mur tazawīyah.
7. Astarābādī, Muhammad bin Ali (1422 AH), The approach of the article in investigating the conditions of men. Aal al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of heritage. Qom: Aal al-Bayt (peace be upon them) Institute for the Revival of Heritage.
8. Iskāfī, Muhammad bin Himām; Sālihī Najafābādī, Abdullah (2008), *Evolution and Purity of Soul*, Qom: Islamic Propagating Organization an Baqir Al-Uloom Research Institute, Noor Al-Sajjad Publications.
9. Ansari, Hassan (nd), "Historical studies." Retrieved: July 27, 2021, from <https://ansari.kateban.com/print/3266>.
10. Barqī, Ahmad bin Muhammad (1342 AH), *Al-Rijāl*, University of Tehran.
11. Pourmousa, Mojtaba; Heydari Fetrat, Jamaluddin (2019), "Drafting the narrative class of Ibrahim bin Hashem Qomi and solving the challenges, *Hadith-e Hawza* 18 (9): 129-170.
12. Taqī al-Dīn Hillī, Hassan bin Ali (1342 AH-a), *Al-Rijāl*, Research: Jalaluddin Muhaddith, Ahmed bin Mohammad Barqī, and Mohammad Kazem Miyamawi, Tehran: University of Tehran.

13. Hosseini Shirazi, Seyed Alireza (2019), *Validation of Shia Hadiths: Infrastructures, Processes, Consequences*, Second Edition, Np: SAMT.
14. Hosseinian Qomi, Mehdi (2019). *Defense of Hadith (Vol. 1)*. Qom: np.
15. Hammadi, Abdul Reza; Hosseini Shirazi, Seyed Alireza (2014), "Recognition of Kulaynī's Sources in Compiling Kāfī," *Hadith Pajhūhī* 11.
16. Khasībī, Hussein bin Hamdān (1419 AH), *Al-Hidāyat al-Kubrā*, Beirut: Al-Balaq Foundation.
17. Delbarī, Seyed Ali (2018), *Introduction to Principles of Rijal Science*, Mashhad: Āstān Quds Razawī Printing and Publishing Institute.
18. Rabbani, Mohammad Hassan (2006), *The Stylistics of Rijal al-Hadith Sciences*, Qom: Jurisprudential Center of Imams Athar (AS).
19. Raf'at, Mohsen (2015), *Critique and Analysis of Ashura Traditions of Maqātil Imam Hussain (AS) (doctoral thesis)*, University of Qom.
20. Rifat, Mohsen; Rahman Satish, Mohammad Kazem; Hijazi, Maryam Al Sadat. (1396). "Complete Ashura narratives of pilgrimages in Bute Naqd". *Shia Research*, No. 12, pp. 107-140.
21. 44 "Ashura'i narratives of Kāmil al-Ziyārāt in review," *Shi'a Studies* 12 (3): 107-140.
22. "Organization of Documents and National Library of Iran." (nd). Retrieved: July 27, 2021, from <http://www.nlai.ir>
23. Sarshar, Mozhgan (2016). "Additions of Kāmil al-Ziyārāt and the issue of attributing the book to Ibn Qūliwayh," *Historical Studies of Qur'an and Hadith* 59 (22): 153-172.

24. Shahīd Thānī, Zainuddin bin Ali; Hosseini Jalali, Mohammad Reza (2001). *Al-Bidāyah fī 'Ilm al-Dirāyah*, Qom: Mahalati.
25. Sadraei Khoei, Ali (2002), "The science of cataloging manuscripts (2)," *Research and Seminary*, 9 (3): 139-152.
26. Sadraei Khoei, Ali; Mahmoudi, Abbas (2017), "Manuscript cataloging methods." *Sciences and Teachings of Qur'an and Hadith* 10: 23-58.
27. Tabataba'i, Mohammad Kazem (2011), *History of Shi'a Hadith (2)*, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization.
28. Tūsī, Muhammad bin Hassan (1414 AH), *Al-'Amālī*, Qom: Dar al-Thaqāfa.
29. Tūsī, Mohammad bin Hassan (1427 AH), *Rijāl*, Research: Jawad Qayoumi Isfahani. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
30. Tūsī, Mohammad bin Hassan (1420 AH), *Al-Fihrist*, Research: Abdulaziz Tabataba'i and Āl al-Bayt Foundation, Qom: School of al-Muhaqiq al-Tabataba'i.
31. Tūsī, Muhammad bin Hassan (nd), *Al-Fihrist*, Research: Muhammad Sadiq Bahr al-Uloom, Qom: Al-Mortazawī Library.
32. Allameh Hillī, Hassan bin Yusuf (1402 AH-a), *Rijāl*. Qom: Al-Sharif Al-Radī.
33. Gholamali, Mehdi (2017), *Knowledge of Sanad*, Qom: Dar al-Hadith.
34. Qomī, Ali bin Ibrahim (1404 AH). *Tafsir al-Qumī*, Tayeb Mousavi Jazay'irī, Qom: Dar al-Kitāb.
35. Kulaynī, Muhammad bin Yaqub (1984-a), *Al-Kāfī*, Research: Ali Akbar Ghafari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.

36. Kulaynī, Muhammad bin Yaquub (1984-b), *Al-Kāfī*, Research: Ali Akbar Ghafari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
37. Majlisī, Mohammad Baqer bin Mohammad Baqer (1368 AH), *Bihār al-Anwār*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabī.
38. Mufīd, Abbas (2018), "Study of ambiguities about the authenticity of the book of 'Ubaidullah bin Ali Halabī," *Safīna* 62(16): 134-164.
39. Mufīd, Muhammad Ibn Muhammad (1403 AH), *Al-Amālī*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
40. Mufīd, Muhammad Ibn Muhammad (nd), *Al-Ilhtisās*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
41. Mehrizi, Mehdi (2018). *Hadith Schools*. Qom: Dar al-Hadith.
42. Najāshī, Ahmed bin Ali (1986-a), *Rijāl*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
43. Najāshī, Ahmed bin Ali (1986-b), *Rijāl*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.
44. Najāshī, Ahmed bin Ali (1986-c), *Rijāl*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation.

Software:

45. Jame al-Ahadith Noor 3/5; Qom: Noor Computer Research Center.
46. Derat al-Noor 1/2, Qom: Noor Computer Research Center.
47. Tarājim 3, Qom: Noor Computer Research Center.
48. Rjāl of Shi'a, Qom: Noor Computer Research Center.
49. Asnād of Sadūq, Qom: Noor Computer Research Center.